

## بررسی سکه‌های بازمانده از شاهپور چهارم ساسانی

سعید گودرزی<sup>۱</sup>

### چکیده

بخش زیادی از دانسته‌های موجود درباره شاهپور یزدگردان یا شاهپور ارمن شاه، ولیعهد یزدگرد اول، از متون تاریخی ارمنی و غربی به دست آمده؛ اگر چه سرنوشت این شاهنشاه ساسانی همواره در پرده‌ای از ابهام قرار داشته است. از این رو، در این پژوهش تلاش شده تا با معرفی نمونه‌هایی از سکه‌های بازمانده از دوران وی و بررسی اسناد و مدارک تاریخی، تصویری واضح‌تر از او و سرنوشتش به دست آید. بررسی‌های انجام شده حاکی از آن است که شاهپور چهارم برخلاف برخی از تصورات، یک شاهزاده کشته شده ساسانی از خیل شاهزادگان بد اقبال ایرانی نبوده است، بلکه یک شاهنشاه ساسانی بوده که اشراف و درباریان طی دسیسه‌هایی، پیش از مراسم تاجگذاری رسمی و بار عام عمومی، او را کشته‌اند.

**کلید واژگان:** شاهپور چهارم، شاهپور ارمن شاه، یزدگرد اول، شاهنشاه ساسانی.

## مقدمه

در برخی متون تاریخی ارمنی اشاره‌های کوتاهی به آغاز و انجام شاهپور فرزند و ولیعهد یزدگرد نخست ساسانی شده است، تقریباً تمامی منابع ترجمه شده فارسی و عربی از اسناد و تواریخ رسمی ساسانیان، آغاز شاهی او در سرزمین ارمنستان در سال ۴۱۶ میلادی تا زمان قتل او در ایرانشهر به سال ۴۲۰ میلادی را کاملاً نادیده گرفته‌اند، گویی تعمداً در پاک کردن نام و خاطره او وجود داشته تا شاید ننگ‌هایی را بزداوند! ننگ‌هایی همچون ننگ شاه‌کشی به دست اشراف و بزرگان ایرانشهر و یا ننگ مجازات نکردن قاتلان شاهنشاه پیشین به دست یکی از محبوب‌ترین و مشهورترین شاهان ساسانی.

پس از مرگ خسرو چهارم، شاه دست‌نشانده ارمنی، یزدگرد یکم برای متمرکز کردن بیشتر قدرت و توقف نفوذ مسیحیت در ارمنستان، فرزند و ولیعهد خود شاهپور را بر تخت پادشاهی ارمنستان نشاند (خورنی، ۱۹۸۴: ۲۶۷-۲۶۸). با توجه به دشمنان قدرتمندی که یزدگرد در بین اشراف و بزرگان کشور داشت برای تثبیت ولیعهدی شاهپور، اقدام به ضرب سکه‌هایی کرد که تاکنون دو نمونه منحصراً به فرد از این سکه‌ها منتشر و معرفی گردیده است (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۹۰-۱۰۰).

آورزمانی در ادامه مطلب خود به اشتباه با انتساب یک نمونه از دینارهای ضرب شده شاهپور دوم به شاهپور چهارم با استدلال وجود شاخ روی تاج هر دو نوع سکه، نتیجه گرفته است که شاهپور ارمن شاه موفق به تصاحب شاهنشاهی ایران گردیده و سکه‌های مستقلی ضرب کرده است. بنابراین، باید او را در سیاهه شاهان ساسانی قرار داد. جزء این مطلب کوتاه در مورد شاهپور فرزند یزدگرد نخست (آورزمانی: ۱۳۹۳، ۹۰-۱۰۰)، پژوهش دیگری در این خصوص مشاهده نگردید. نظر به اینکه شاهپور پس از مرگ / قتل پدر، برای مدت کوتاهی پادشاه قانونی کشور بوده است، باید بتوان شواهد دقیقتری از وجود این شاه ساسانی یافت.

سکه‌ها، اسنادی مستقیم برای افزایش شناخت دقیقی از شاهان و حاکمان مختلف هستند. با انتشار درهم‌های شاهپور چهارم، می‌توان فهمید یزدگرد نخست در زمان زندگی خود فرزندش شاپور را رسماً به عنوان ولیعهد خود برگزیده است. در این مقاله، ضمن بررسی ژرفتر موضوع، نمونه‌هایی از سکه‌های ضرب شده شاهپور چهارم ساسانی (شاهپور فرزند یزدگرد) معرفی می‌گردد که پاسخگوی برخی پرسش‌ها در خصوص این برهه تاریک از تاریخ ساسانی خواهد بود:

آیا باید شاهپور را به عنوان یک شاهنشاه ساسانی به سیاهه شاهنشاهان ساسانی افزود؟ آیا

شاهپور توانسته به عنوان شاه ایران سکه ضرب کند؟ آیا او موفق به برگزاری مراسم رسمی تاجگذاری و یا بار عام عمومی مرسوم گردیده است؟ قدرت اشراف و بزرگان در آن مقطع از تاریخ سلسله ساسانیان در چه حد بوده است؟

ذکر این مطلب لازم است که نمونه‌های معرفی شده از سکه‌های پیشیز و دانگ شاهپور چهارم با وجود ناشناخته بودن، منحصر به فرد نیستند و نگارنده نمونه‌های مختلفی در مجموعه‌های خصوصی دیگر مشاهده نموده است.<sup>۱</sup>



تصویر شماره ۱. درهم ولیعهدی شاپور شاه ارمنستان با تصاویر و نام‌های یزدگرد و شاهپور (تصاویر از مجموعه هرزدیاری ده موبد)<sup>۲</sup>

۱. به دلیل بروکراسی‌های اداری امکان بررسی و مشاهده سکه‌های مخازن هیچکدام از موزه‌های داخلی میسر نگردید، بنابراین، اطلاعاتی از وجود نمونه‌هایی از این سکه‌ها در موزه‌های داخلی یافت نگردید!  
 ۲. آقای هرزدیاری ده موبد یکی از پارسیان هند است که در شهر والدورف آلمان از مجموعه‌ای موروثی شامل سکه و نسخ خطی نگهداری می‌کند، دو سکه درهم شاهپور چهارم در سال ۱۹۹۳، را ایشان به آورزمانی در شهر والدورف ارائه کرده است.



تصویر شماره ۲. دینار کمیابی از شاهپور دوم (Gyselen, 2004: 136)

### شاهپور چهارم و ضرب سکه طلا

در پشت سکه ولیعهدی شاهپور (شکل شماره ۱) در قسمتی که تصویر شاهپور با تاج شاخدارش ترسیم گردیده، کتیبه‌ای وجود دارد با این متن: "shahpuhri RBA armnan MALKA" به معنی شاهپور بزرگ ارمن شاه (آورزمانی، ۱۳۹۳: ۹۸) سکه دیناری که به عنوان سکه مستقل شاهپور چهارم معرفی گردیده (همان، ۹۴-۱۰۰)، بی‌تردید سال‌ها پیش از او و احتمالاً به صورت مناسبتی با تصویر کلاهخود / تاج جنگی شاهپور دوم ضرب گردیده است (تصویر شماره ۲)، این تاج را آمیانوس مارسلینوس مورخ رومی در وقایع جنگ «آمد» توصیف کرده است (Marcellinus, 1940, books 20.26: 1940). پس از پادشاهی نرسی قدرت بی‌حد موبدان در مقابل شاهان ساسانی باعث گردید، برخی از شاهان دست به اقداماتی برای کاهش نفوذ موبدان بزنند. برخی از شاهان دوره میانی سلسله ساسانی چون شاهپور دوم، اردشیر سوم، شاهپور سوم و بهرام چهارم در طراحی برخی از سکه‌های خود اقدام به حذف نقش موبدان (ملازمان آتش) در پشت سکه‌ها کردند و نقشی از یک آتشدان بدون ملازمان آتش همچون سکه‌های اردشیر پاپکان در پشت برخی از سکه‌های این شاهان نقش گردید (شکل شماره ۳).



تصویر شماره ۳. درهم اردشیر بابکان (مجموعه نگارنده)<sup>۱</sup>

۱. مجموعه موروئی نگارنده که شامل نمونه‌های مختلفی از سکه‌های ساسانی و طبری است.

با مقایسه تیپ آتشدان تصویر شده در پشت سکه‌های این تیپ از شاهان ساسانی معلوم می‌شود هر کدام از این شاهان فرم منحصر به فردی برای آتشدان طراحی نموده‌اند که با مقایسه تصویر پشت هر کدام از سکه‌ها می‌توان حدس زد که سکه را کدام شاه ضرب کرده است. از مقایسه سکه تصویر شماره ۲ که به اشتباه به شاهپور چهارم منتسب شده با سکه‌های سایر شاهان به راحتی تشابه کامل طراحی آتشدان پشت سکه با آتشدان‌های سکه‌های شاپور دوم عیان می‌گردد (تصویر شماره ۴ و ۵).



تصویر شماره ۴. نمونه‌هایی از سکه شاپور دوم تیپ پشت اردشیری  
 (تصویر دینار از مجموعه سعیدی، (Gyselen:2004: 136)؛ سایر تصاویر از مجموعه نگارنده)



تصویر شماره ۵. سمت راست نمونه دینار پشت اردشیری از شاهپور سوم (نلسون، ۱۳۹۵: ۳۷۷). سمت چپ درهم تیپ پشت اردشیری از بهرام چهارم (مجموعه نگارنده).

همچنین با مقایسه سکه‌های تصویر شماره ۱ و ۲ با وجودی که پادشاه‌های تصویر شده روی هر دو مدل سکه، تاجی با شاخ قوچ دارند، اما تفاوت‌هایی ساختاری نیز در آنها مشاهده می‌شود، از جمله آنکه شاخ‌های تاج شاهپور ارمن شاه از پشت کاسه تاج روییده و شاخ‌های دینار شاهپور دوم از جلوی کاسه تاج، همچنین تاج / کلاهخود روی دینار تصویر شماره ۲ در بالا و میان دو شاخ، گوی کوریمبوس مشهور شاهان ساسانی قرار دارد که تاج / کلاهخود شاهپور ارمن شاه فاقد آن است، ضمن آنکه تصویر شاهان و شاهزادگان ساسانی با تاج‌های شاخ قوچ نشان به دلیل محبوبیت ایزد بهرام در بین شاهان و شاهزادگان ساسانی بسیار پر بسامد است (تصویر شماره ۶).

نکته مهم دیگر آنکه سکه‌های طلای ساسانی در مواقع خاص و مناسبت‌ها و یا جشن‌های مهم و به تعداد محدود ضرب می‌شدند، در تمامی کتاب‌هایی که در مورد شاهپور و عزیمتش به پایتخت برای تصاحب پادشاهی صحبت شده، تأکید گردیده که او به فاصله کوتاهی بزرگان و درباریان کشته شد (پیرنیا، ۱۳۹۳: ۱۳۸؛ خورنی، ۱۹۸۴: ۲۶۹؛ سارگسیان و دیگران، ۱۳۶۰: ۱۴۶).



تصویر شماره ۶. نمونه‌هایی از تاج با تزئین شاخ قوچ در هنر دوره ساسانی. تصاویر از راست به چپ: مهر یزدان فری شاهپور (خوانش گیزلن)، همسر شاهپور سوم (کتابخانه ملی فرانسه) (Gyselen, 2004: 136). بشقاب نقره ساسانی: شاه و شهبانو (موزه هنر والترز). بشقاب نقره با تصویر شکار گراز به دست شاه یا شاهزاده، منسوب به بهرام اول کوشانشاه (موزه هرمیتاژ) (Gyselen, 2004: 136).

بنابراین، او فرصت و امکانی برای ضرب دینار طلا نیز نداشته است و اگر پس از تصاحب موقت سلطنت نیز اقدام به ضرب سکه می‌نمود، می‌بایست در آن فرصت کوتاه سکه‌هایی چون درهم، دانگ و یا پیشیز ضرب می‌کرد.

### ۱. سرانجام یزدگرد نخست

یزدگرد نخست با وجود آنکه خود را رامشهر (تصویر شماره ۷، سکه یزدگرد یکم با لقب رامشهر) می‌نامید و باعث صلح و آرامش در کشور گردیده بود، اما مشکلات فراوانی با اشراف، بزرگان و بالاخص موبدان و دین مردان زرتشتی داشت. یزدگرد نخست در متون یهودی و مسیحی چهره‌ای کاملاً پسندیده دارد. در این منابع او را پادشاهی مهربان توصیف کرده‌اند که با پیروان همه

ادیان مدارا می‌کرده و به آنان اجازه می‌داد تا به راحتی در میان دیگران زندگی کنند، ببالند و حتی جوامعی نیرومند تشکیل دهند (دریایی، ۱۳۹۱: ۷۵-۷۶).

از سوی دیگر، اینچنین شاهی می‌بایست مورد غضب موبدان و متعصبین زرتشتی باشد. از همین روی تواریخ عربی قرون اولیه پس از چیرگی اعراب که در حقیقت ترجمه‌هایی از خداینامک‌ها و روایات رسمی دربار ساسانی بود، چهره‌ای منفور از یزدگرد نخست ترسیم می‌کنند. بدین سان یزدگرد نخست در تواریخ عربی به لقب‌های زشتی چون دفر / دبر (فریننده)، فظ / الخشن (دشتخوی / خشن)، الاثیم (بزه‌کار) نامدار گردید (جلیلیان، ۱۳۹۷: ۵).



تصویر شماره ۷. درهمی از یزدگرد نخست با نوشتار: 'mzdysn bgy l'mštyl yzdklt MLK`N MLK، خدایگان مزدا پرست، شاهنشاه یزدگرد رامشهر (مجموعه نگارنده)

پس از مرگ یا کشته شدن یزدگرد یکم، بدترین کابوس برای اشراف و دینمردان قدرتمند به پادشاهی رسیدن یکی از فرزندان شاه احتمالاً مقتول، خاصه ولیعهد محبوب یزدگرد بوده است. آنان حداکثر تلاش خود را برای تغییر شاخه پادشاهی در دودمان ساسانی به کار بستند. بر تخت نشاندن فردی به نام خسرو که از شاخه دیگری از خاندان ساسانیان بود به جای فرزندان یزدگرد یکم در راستای همین سیاست تغییر شاخه پادشاهی بوده است و دشمنی اشراف با یزدگرد و فرزندان او را به نمایش می‌گذارد. می‌توان قدرت فراوان دشمنان یزدگرد، فرزندان و همچنین تنفر عمیق ایشان از یزدگرد را با توجه به نکاتی چند در روایات رسمی دربار ساسانی مشاهده کرد. او افزون بر نسبت دادن قتل عام بزرگان و دین مردان و همچنین انحراف از دین زرتشتی، گزارش شیوه مرگ یزدگرد نیز خود میزان تنش مابین بزرگان و شاهنشاه را نشان می‌دهد. روایت کشته شدن یزدگرد با لگد اسب، روایتی است که تمامی پژوهشگران متفق‌القول آن را بر ساخته بزرگان و اشراف



و موبدان می‌دانند. حال چه مرگ او به استناد به یکی دو جملهٔ تواریخ ارمنی و غربی، ناشی از بیماری دانسته شود (جلیلیان، ۱۳۹۴: ۸-۱۴) و چه مانند سایرین (نولدکه، ۱۳۷۸: ۱۰۹؛ شهبازی، ۲۰۰۳: ۴۳۰؛ کریستین‌سن، ۱۳۷۴: ۳۷۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۹۸: ۴۵۶) باور داشته شود که یزدگرد نخست در جریان یک دسیسه به دست درباریان، اشراف، موبدان و بزرگان به قتل رسیده است، این افسانه‌سرایی برای مخفی نگه‌داشتن راز چگونگی مرگ یزدگرد یکم، نشانگر هماهنگی و همدستی بیشینهٔ خاندان‌ها و افراد مهم، اشرافی و مذهبی در این جعل یا در این شاه‌کشی است. اینکه در کتاب سعید ابن البطریق می‌گوید: «کسی نمی‌خواست به شاه دست درازی کند تا مبادا تجاوز و دست‌اندازی به شاه سنت گردد» (جلیلیان، ۱۳۹۴: ۹)، مؤید آن است که اگر دست درازی به شاه نیز رخ می‌داده موضوع را به شکل دیگری روایت می‌کرده‌اند. همین اشراف نقش پررنگی در تغییر شاخهٔ شاهی از فرزندان یزدگرد به شاخهٔ فرعی دیگری از دودمان ساسانی داشتند. در برخی از کتاب‌های تاریخی پس از چیرگی اعراب بر ایرانشهر نام برخی از این اشراف و بزرگان قید گردیده است. شاید بتوان اینان را مسببان مرگ شاهپور و حتی پدرش یزدگرد نخست دانست: «از جملهٔ ایشان بسطام سپهبد ناحیهٔ عراق بود که پایه و مرتبهٔ او را هزارفت می‌گفتند و یزدجشنس فاذوسفان زوایی و فیرک ملقب به مهران و گودرز دبیر لشکر و جشنسادیبش دبیر خراج و فناخسرو دبیر صدقات کشور و کسانی دیگر از مردان شریف و بزرگ‌زاده» (دینوری، ۱۳۷۱: ۹۵). در شاهنامهٔ فردوسی نیز همداستان شدن اشراف در جلوگیری از استمرار شاهنشاهی در فرزندان یزدگرد مشاهده می‌شود:

کنارنگ با موبد و پهلوان

هشیوار دستور روشن روان

همه پاک در پارس گرد آمدند

بر دخمه یزدگرد آمدند

چو گستهم کو پیل کشتی بر اسپ

دگر قارن گرد پور گشپ

چو میلاد و چون پارسِ مرزبان

چو پیروز اسپ افکن از گرزبان

دگر هرکه بودند از ایران مهران

بزرگان و گنندآوران جهان

## ۲. شاهپور چهارم ولیعهد یزدگرد نخست

به فاصله کوتاهی از مرگ یزدگرد نخست، پس از آنکه خبر مرگ (قتل) شاه به ولیعهد یزدگرد در ارمنستان رسید، شاهپور به سرعت خود را به پایتخت رسانید و احتمالاً بدون جلب رضایت بزرگان و درباریان خود را شاهنشاہ خواند. هیچ اشاره‌ای در مورد او و ولیعهدی‌اش و همچنین حضور شتابزده‌اش در پایتخت و کشته شدنش در بیشتر اسناد با واسطه‌ای که از روایات رسمی دربار ساسانی موجود است، وجود ندارد. حذف این شخصیت از تاریخ سلطنتی ساسانی خود نشانگر قدرت فراوان دشمنان او و پدرش یزدگرد است، قدرت این اشراف به حدی است که حتی پس از آنکه بهرام گور متعاقب قتل پدر و برادرش با کمک لشکریان شاه حیره توانست پایتخت را تصاحب کند، تنها زمانی که تعهدی مبنی بر کیفر ندادن بزرگان (احتمالاً قاتلان پدر و برادرش) و پیروی نکردن از سیاست‌های پدر به اشراف و بزرگان داد، موفق به تاجگذاری شد (ابن بلخی، ۱۳۸۵: ۷۶-۷۸). همان زمان با رواج حکایت برداشتن تاج شاهی از میان دو شیر به دست بهرام گور و حذف نام و سابقه شاهپور از اسناد رسمی، تاجگذاری بهرام یزدگردان را جشن گرفتند!

با بررسی شرایط ایرانشهر در زمان مرگ یزدگرد و مطالب کوتاهی که در مورد شاهپور ولیعهد یزدگرد یکم در برخی تواریخ غیر ایرانی ذکر گردیده است، می‌توان سیمای کلی وضعیت دربار و تلاش‌های پسران یزدگرد برای باز پس‌گیری شاهنشاهی را ترسیم کرد. شاهنشاہ یزدگرد در نقطه‌ای بسیار دورتر از پایتخت کشته شد، شاهپور پس از رسیدن این خبر به ارمنستان به سرعت خود را به تیسفون رساند (شیپمان، ۱۳۸۶: ۴۶؛ خورنی، ۱۹۸۴: ۲۶۹؛ کریستین سن، ۱۳۷۴: ۱۹۹). در چنین شرایطی که شاهپور در دربار با دشمنان قدرتمندی محاصره شد، حداکثر تلاش خود را به کار بست تا بتواند خود را به عنوان شاهنشاہ جدید، تثبیت کند. نظر به آنکه او در بین بزرگان و اشراف همچون پدر منفور بود، احتمالاً نتوانسته متحدان قدرتمندی از بین بزرگان برای خود جذب کند، هرچند در بررسی نام‌های بزرگانی که هم‌قسم شدند تا شاهی را از فرزندان یزدگرد برگیرند (دینوری، ۱۳۸۵: ۹۵؛ فردوسی، ۱۳۸۶: ج ۶: ۳۸۹؛ کریستین سن، ۱۳۷۴: ۱۹۹)، نام مهر نرسه وزیر معروف و قدرتمند یزدگرد یکم دیده نمی‌شود که نشان از تلاش‌های سیاسی شاهپور برای جذب برخی از اشراف و بزرگان یا لاقبل بی‌طرف نگاه داشتن آنها در دسیسه‌های جاری دربار دارد. شاهپور به عنوان ولیعهد قانونی کشور در آن شرایط خطیر، به مثابه شاهنشاہ قانونی ایرانشهر می‌بایست اقدام به هموار نمودن موانع برای تاجگذاری رسمی و قانونی خود می‌کرد. با توجه به فقدان شناخت عامه مردم از او و همچنین فرصت بسیار کوتاهی که در اختیار داشت، برای معرفی خود بین طبقات پایین‌تر از اشراف، اقدام به ضرب سکه‌هایی کرد (پاکزادان، ۱۳۸۴:

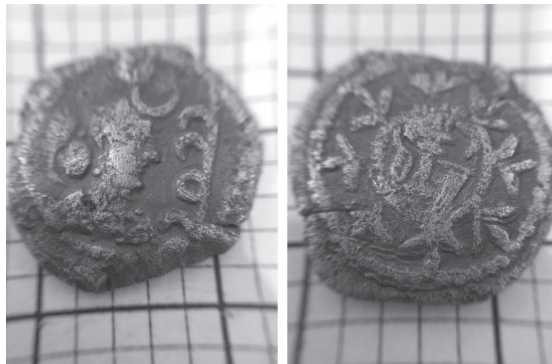
۱۲۲). به دلیل آنکه جامعه هدف تبلیغاتی برای ضرب سکه، طبقات پایین‌تر از اشراف، افراد متوسط و فرودست جامعه ساسانی بود، شاهپور نخست به ضرب و ترویج سکه‌هایی که در بین عموم بیشترین رواج را داشت اقدام نمود. تاکنون هیچ سکه درهمی که بتوان به شاهپور منتسب کرد یافت نشده و این بدان معنی است که یا او کلاً فرصت طراحی و ساخت سرسکه‌ها و ضرب درهم را نیافته است، زیرا درهم‌های شاه جدید پس از تاجگذاری رسمی شاهنشاه ضرب و منتشر و شاهپور احتمالاً پیش از مراسم تاجگذاری رسمی کشته شده بود. یا ممکن است تعداد محدودی درهم ضرب شده باشد که بلافاصله پس از کشته شدن او این درهم‌ها جمع‌آوری و ذوب شده‌اند. در این صورت ممکن است در آینده درهم‌هایی نیز از این شاه بدقبال ساسانی یافت گردد.

امکان رواج و انتشار سریع سکه‌هایی با واحدهای کوچکتر از درهم همانند دانگ نقره و یا پیشیزهای مسی، در بین عامه مردم کشور می‌توانست یکی از بزرگترین ابزار تبلیغاتی شاهپور برای معرفی خود به عنوان شاه قانونی کشور باشد. در صورتی که او بین مردم به عنوان شاهنشاه کشور مشهور و مورد قبول واقع بود و در واقع حذف او به دست دشمنانش بسیار سخت‌تر می‌شد. پس از انجام اینگونه اقدامات تبلیغی شاهپور، احتمالاً اشراف در دسیسه‌ای دیگر به این نتیجه رسیدند، در صورتی که او بتواند تمامی ارکان قدرت را تصاحب کند و به شیوه مرسوم شاهان ساسانی در مراسمی خاص به صورت رسمی تاجگذاری کند، افزون بر آنکه در بخش‌های مختلف سیاست‌های پدر را دنبال خواهد کرد بلکه تمامی دسیسه‌چینان علیه پدر و خودش را نیز از سر راه برخواهند داشت. در کوتاه زمانی ممکن بود شاهپور بتواند حمایت بخشی از اشراف و بزرگان کشور را کسب کند و حتی ممکن بود قیصر روم که سال‌ها تحت تکفل یزدگرد نخست زیسته بود با تمام قوا از شاهپور پشتیبانی کند. به همین دلیل پیش از آنکه شاه جدید بتواند متحدانی قدرتمند بیابد، اشراف و بزرگان او را کشتند. دو فرزند دیگر یزدگرد نیز از نظر اشراف رقیبانی کم‌توان و بی‌خطر بودند، نرسی فرزند کوچک یزدگرد که کودک خردسالی بود و بهرام که در بین اعراب در تبعیدی احتمالی و دور از پایتخت به سر می‌برد. بنابراین، پس از کشتن شاهپور، خسرو نامی را به شاهی برگزیدند.

### ۳. سکه‌های شاهپور چهارم

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تبلیغاتی که شاهپور از آن استفاده کرد، ضرب سکه بود. نمونه‌های نادری از دانگ‌ها و پیشیزهای شاهپور چهارم باقی مانده است که با بررسی آنها می‌توان صحت انتساب آن سکه‌ها به شاهپور را اثبات کرد (تصویر شماره ۱۰، پیشیز تیپ اول؛ تصویر شماره ۸

و ۹ دو نوع مختلف از پیشینه‌های تیپ دوم؛ تصویر شماره ۱۱ دانگ نقره شاهپور چهارم). شاهپور فرصت محدودی برای معرفی خود به عنوان شاهنشاه ساسانی داشت،



تصویر شماره ۸. پیشینه مسی از شاهپور چهارم با تصویری شبیه یزدگرد اول، با نوشتار š(h)pwh(l) شاهپور، مقابل صورت شاه (مجموعه نگارنده).

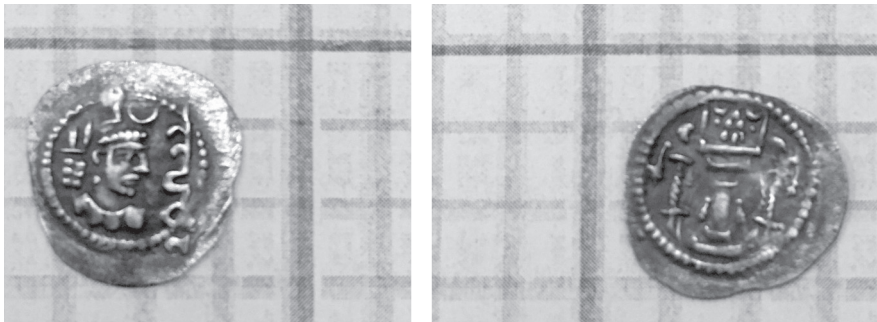


تصویر شماره ۹. پیشینه مسی از شاهپور چهارم با تصویری شبیه یزدگرد اول، با نوشتار š(h)pwh(l) شاهپور، مقابل صورت شاه (مجموعه نگارنده).



تصویر شماره ۱۰. پشیز مسی از شاهپور چهارم با تصویری شبیه یزدگرد اول با نوشتار (h)pw(h)š شاهپور، مقابل صورت شاه (عکاس عباس لطیفی).

پیش از مراسم تاجگذاری رسمی و بارعام مرسوم، هیچ ابزاری بهتر از پول خرد نمی‌توانست او را به عنوان شاهنشاه ساسانی در بین تمامی اقشار جامعه معرفی کند. بنابراین، منطقی بود که او نسبت به ضرب سکه‌های پشیز و دانگ اقدام کرده باشد.



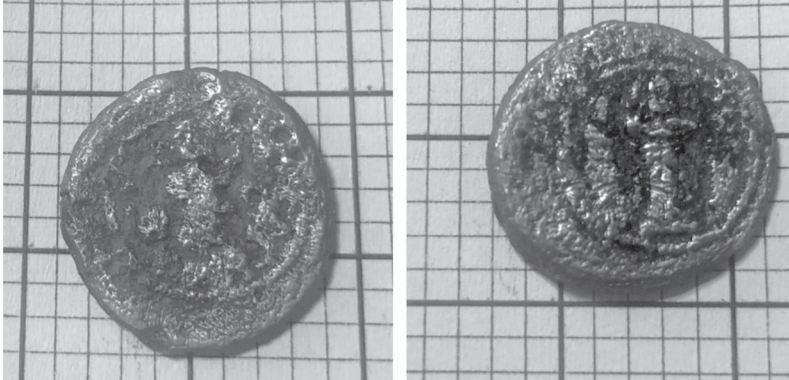
تصویر شماره ۱۱. دانگ نقره از شاهپور چهارم با تصویری شبیه یزدگرد اول، با نوشتار (h)pw(h)š شاهپور، مقابل صورت شاه (مجموعه نگارنده)<sup>۱</sup>

تمامی دانگ‌ها و پشیزهای باقی مانده از شاهپور چهارم، روی سکه‌ها تصویری مشابه با تصویر چهره و تاج یزدگرد نخست بر سکه‌هایش دارد. به همین دلیل در گذشته نمونه‌های کمیابی که از سکه‌های شاهپور نیز یافت می‌شد به یزدگرد یکم منتسب می‌کردند. در صورتی که نوشتار عجیب و منحصر به فرد با درشت‌ترین سایز ممکن حروف، روبه‌روی تصویر شاهنشاه باعث می‌شود تا مخاطب آن نام را با دقت بیشتری بخواند. این مدل نوشتار، با اندازه خاص واژگانش گویی تأکیدی ویژه دارد بر آنکه هدف از ضرب این سکه فقط نشان دادن این واژگان و این نام است. تلاش‌های

۱. پیمان علیمرادی با اهدای این دانگ به مجموعه نگارنده باعث تکمیل مستندات این مقاله گردید.



نافرجام این شاه ساسانی برای به چنگ آوردن قدرت و مهار قدرت اشراف که از نسل‌های پیش از او و پس از شاهپور دوم گویی قدرت بی‌حد بزرگان و شاه‌کشی‌های آنان تبدیل به سنتی مألوف و رایج در دربار ساسانی گردیده بود، اگرچه برای خود شاهپور بداقبال ثمری نداشت، باعث گردید تا بتوان بخش‌های حذف شده‌ای از تاریخ رسمی شاهنشاهی ساسانی بازیابی شود. بر روی سکه‌های ریز نقش این شاه که آشفتگی و عجله را می‌توان در طراحی و ضرب این سکه‌ها مشاهده کرد، نام شاهپور به صورت مخفف روبه‌روی صورت شاه به شیوه‌ای عجولانه و نامتناسب با طرح و ابعاد سکه نگاشته شده است. این مدل نوشتار کاملاً با شرایط آن زمان دربار ساسانی متناسب است، پادشاهی که در محاصره قاتلان یا دشمنان قدرتمند پدر خود، تلاش کرد شاهنشاهی ساسانی را تصاحب کند. او ناچار بود از مؤثرترین ابزار تبلیغاتی خود یعنی همان ضرب سکه در کوتاه‌ترین زمان ممکن بهره‌گیری کند. با توجه به آنکه در لیست بزرگان و اشرافی که دشمن‌خاندان یزدگرد هستند، نام دو تن از صاحب‌منصبان اقتصادی شاهنشاهی ساسانی (دبیر خراج و دبیر صدقات کشور) (دینوری، ۱۳۷۱: ۹۵)، نیز آمده و بسیار محتمل است خزانه‌شاهی و ضرابخانه‌های مهم دربار و سیستم اداری ضرابخانه‌ها نیز در اختیار دشمنانش بوده و اجازه طراحی و ساخت سرسکه و ضرب سکه‌های درهم و سکه‌های خردتر را نیز به او نداده باشند و شاهپور برای پیشبرد اهداف خود مجبور به استفاده از ضرابخانه‌ای فرعی یا ضرابخانه‌ای سیار شده باشد. همچنین می‌توان گفت یکی دیگر از دلایل ضرب سکه‌های کوچک و کم‌وزن (پشیز و دانگ) به دست او باید به دلیل محدودیت منابع مفرغ و نقره در اختیارش نیز بوده است، با ضرب و انتشار پول خرد افزون بر آنکه خود را به عنوان شاهنشاه مشروع کشور بین مردم معرفی می‌کرد، با میزان محدودی فلز تعداد بیشتری سکه می‌توانست ضرب کند. شاهپور در کمال هوشمندی تلاش کرد تا حد ممکن از کمترین امکانات موجود بیشترین بهره تبلیغاتی را ببرد. در فرصت کوتاهی که از رسیدن به پایتخت تا کشته شدن داشته، دو تیپ کلی پشیز (تصویرهای شماره ۸، ۹ و ۱۰) و یک تیپ کلی دانگ (تصویر شماره ۱۱) از خود به یادگار گذاشته است. روی تمامی این سکه‌ها چهره شاهنشاه قابل انطباق با چهره یزدگرد یکم است (تصویرهای شماره ۷، ۱۲ و ۱۳). همچنین اینکه شاهپور بر روی سکه‌هایش تصویر پدر را ضرب کرده با شرایط آن زمان کاملاً قابل توضیح است.



تصویر شماره ۱۲. پشیز سربی از یزدگرد نخست (مجموعه نگارنده)



تصویر شماره ۱۳. پشیز سربی از یزدگرد نخست با تصویر گاو کوهاندار، مقابل صورت شاه، ۱۰۷ میلیمتر، ۱۰۹ گرم (مجموعه نگارنده)



تصویر شماره ۱۴. شباهت تاج هرمز ۴ (تصویر بالا) و تاج خسرو ۱ (تصویر پایین) (مجموعه نگارنده)



تصویر شماره ۱۵. شباهت تاج جاماسب (تصویر بالا) و تاج قباد (تصویر پایین) (مجموعه نگارنده)



تصویر شماره ۱۶. شباهت تاج دوم پیروز (تصویر بالا) و تاج اول ۱۱ قباد (تصویر پایین) (مجموعه نگارنده)

در زمان ضرب این سکه‌ها، شاهپور هنوز به صورت رسمی تاجگذاری نکرده بود، بنابراین، تاج منحصر به فرد شاهی نداشت که نقش خود را با تاج شاهنشاهی اش بر سکه ضرب کند. در ضمن آنکه، اگر در آن فرصت کوتاه اقدام به انتخاب تاجی برای خود می‌کرد همانند نمونه‌های مشابه باید تاج پدر یا تاجی شبیه به تاج پدر را بر سر می‌گذاشت، شباهت‌های فراوان تاج‌های شاهی که در شرایط آشوب به پادشاهی می‌رسیدند با تاج پادشاه قبلی، مجالی دیگر برای بررسی می‌طلبید. برای نمونه این شباهت و اضطرار در تاج‌گزینی شاهنشاه تازه به تخت نشسته، تصاویر سکه‌ها در شکل‌های ۱۴، ۱۵ و ۱۶ نشان داده شده است.



بنابراین، چه تصویر روی سکه‌های شاهپور تصویر پدرش یزدگرد نخست باشد و چه تصویر خود او باشد با تاج پدر، از منظر عمومی قابلیت پذیرش بالاتری داشته است و با این کار شاهپور استمرار شیوه و تخمه شاهنشاهی یزدگرد نخست را به نمایش می‌گذارد. همچنین این ترفند تبلیغاتی باعث گردید از التهاب و هرج و مرج عمومی پس از مرگ شاهنشاه کاسته شود. شاهپور با این کار در پی آن بود که اعلام کند، استمرار شاهنشاهی یزدگرد نخست قطع نگردیده و فقط نام شاهنشاه است که با درشت‌ترین اندازه ممکن بر جلوی صورت شاه خودنمایی می‌کند و در نگاه اول چهره شاه را از اهمیت نخست می‌اندازد. شاهپور در سکه‌های دانگ ضرب شده خود و در تیپ نخست پیشیزهایش همچنان وفادار به طراحی مشهور شاهنشاهان ساسانی در پشت سکه است «آتشدان» در میانه دو ملازم آتش» (تصویرهای شماره ۱۰ و ۱۱). اما در تیپ دوم پیشیزهایش که احتمالاً پس از تیپ نخست طراحی و ضرب گردیده طراحی خاصی برای پشت سکه در نظر گرفته و طرح مألوف پشت سکه‌های ساسانی دستخوش تغییری نمادین شده است (تصویرهای شماره ۸ و ۹). آتشدان و دو ملازم آتش همچنان وجود دارند اما فقط آتشدان واضح دیده می‌شود. در تزئینات حاشیه‌ای پشت سکه، زنجیره‌ای از نمادی چون گل ارکیده که نمادی محبوب در فرهنگ ایران شهری بوده، آتشدان را احاطه کرده است (تصویرهای شماره ۱۷ و ۱۸)، لیکن دو ملازم را به گونه‌ای ساده و شماتیک و حتی خارج از کادر طراحی کرده‌اند. می‌توان استدلال کرد که شاهپور شاید فقط می‌خواست در پشت سکه جدیدش نقش آتشدان بنشانند و ملازمان که در آن زمان، نمایندگان دستگاه دینی منظور می‌شده‌اند را حذف کند! البته دلیلش نیز مبرهن است: دشمنی دینمردان درباری با پدرش و او باعث گردیده که شاهپور اقدام به حذف ملازمان آتش از طراحی پشت سکه نماید. در کش و قوس حذف کردن تصویر ملازمان شاید باز به دلیل جلوگیری از تنش بیشتر، دو ملازم را نهایتاً به طراحی سکه اضافه می‌کنند، اما به دلیل فرصت محدود تصویر شماتیک دو ملازم آتش در لابلای طرح قبلی اضافه می‌گردند! اگرچه این استنتاج در خصوص پیشیزهای تیپ دوم (تصویرهای شماره ۸ و ۹) صحیح باشد و یا نباشد، با وجود زیبایی و هنرمندی خلاقانه موجود در طراحی این پیشیزها، همچنان اضطرار و عجله را می‌توان در طراحی زیبا و هنرمندانه پشت این سکه‌ها دید. در پیشیز تصویر شماره ۱۰ نیز نکته جالبی مشاهده می‌شود، در حاشیه‌های این سکه که برای ضربش از طراحی سکه‌های یزدگرد استفاده و نام شاهپور به مقابل تصویر اضافه شده است، آثاری از ضرب پیشین سکه نیز وجود دارد و ظاهراً این سکه را روی سکه مفرغین دیگری باز ضرب کرده‌اند. این اتفاق عموماً در شرایطی ناگزیر و یا به دلیل کمبود امکانات و فلز



تصویر شماره ۱۷. گل ارکیده در دست بانوی روی مهر دوره ساسانی، تصویر مهر بانویی به نام پیروز دخت (موزه بریتانیا)



تصویر شماره ۱۸. نمادی شبیه گل ارکیده بر حاشیه پشت سکه‌های عرب طبری (مجموعه نگارنده)

برای ضرب سکه رخ می‌دهد. شاهپور که در پی تثبیت خود به عنوان شاهنشاه جدید و قانونی کشور بوده از تمام توان خود برای تبلیغ این موضوع استفاده کرده است. در دانگ‌های ضرب شده شاهپور عموماً نوشتار مخفف نام شاهپور همانند پیشیزها جلوی صورت شاه نگاشته و در نمونه‌های مشاهده شده روی سکه واژه špw نگاشته شده است که سه حرف از نام شاهپور (šhpwhl) است. اما در نمونه تصویر شماره ۱۱ نوشته کاملتر شده و بر روی این دانگ مخفف نام شاهپور به صورت šhpw

آمده است. شوربختانه دانگ‌ها و پیش‌های شاهپور فاقد نوشتار دیگری چون محل ضرب و سال ضرب هستند و از کتیبه سکه‌ها اطلاعات بیشتری قابل دستیابی نیست.

### نتیجه‌گیری

شاهپور شاه ارمنستان پس از آگاهی از مرگ پدر به سرعت خود را به پایتخت رساند و در میان سردرگمی اشراف و بزرگانی که دشمن پدرش بودند، به عنوان ولیعهد قانونی ایرانشهر، تخت شاهنشاهی را تصاحب کرد. او برای تثبیت شاهنشاهی خود بلافاصله اقدام به ضرب سکه‌های خرد و انتشار آن در بین مردم کرد. بدیهی است که همزمان در حال رایزنی با برخی بزرگان، اشراف و شاید شاهان دیگر کشورها برای کسب حمایت آنها نیز بود. دشمنان پر قدرت یزدگرد یکم و فرزندانش، پیش از آنکه شاهپور بتواند به عنوان جانشین پدر به صورت رسمی تاجگذاری کند، در دسیسه‌ای او را نیز رهسپار منزل ابدی کردند. اشراف و بزرگان برای پیشگیری از انتقام‌جویی فرزندان یزدگرد، خسرو که از شاخه دیگری از خاندان ساسانی بود، بر تخت نشاندند. اما بهرام گور برادر جوانتر شاهپور با حمایت لشکریان شاه حیره بر پایتخت دست یافت و پس از تعهد به بزرگان مبنی بر بخشودن کیفر فتنه‌انگیزی‌های آنها، توانست جانشین پدر گردد. همچنین برای آنکه گردی بر دامان شاه و اشراف ننشیند، نام شاهپور را از دفتر و دیوان زدودند و بعدها نیز در اقتباس‌های مختلف دوره اسلامی از خدایانامک‌ها نیز از سرنوشت این ولیعهد و شاه بدفرجام ساسانی چیزی مشاهده نمی‌شود. اما چند سکه خرد که در نظر همان اشراف بی‌ارزش بود، پس از سده‌ها بر نکات تاریک و پنهان شده این دسیسه و شاه‌کشی اشراف و بزرگان ساسانی نور تاباند و وجود شاهی بدفرجام مابین یزدگرد نخست و بهرام گور را مشخص کرد. پادشاهی که با وجود آنکه فرصت نیافت تا در مراسم رسمی تاج بر سر نهد، اما زمان کوتاهی پس از مرگ یزدگرد نخست به عنوان جانشین مشروع پدر و شاهنشاه ساسانی اقدام به ضرب سکه کرد و به همین دلیل نیز در سیاهه شاهان ساسانی جای گرفت.

### کتابنامه

- ابن بلخی. (۱۳۸۵). *فارسنامه*. تصحیح و تحشیه گای لیسترانج و رینولد آلن نیکلسون. تهران: نشر اساطیر.
- آورزمانی، فریدون. (۱۳۹۳). *هنر ساسانی*. تهران: پازینه.
- پاسدراماجیان، هراند. (۱۳۷۷). *تاریخ ارمنستان*. ترجمه محمد قاضی. ج ۲. تهران: نشر زرین.



- پاکزادیان، حسن. (۱۳۸۴). تاریخ و گاهشماری در سکه‌های ساسانیان. تهران: حسن پاکزادیان.
- پیرنیا، حسن. (۱۳۹۳). تاریخ تمدن ایران. حسن پیرنیا «مشیرالدوله» و عباس اقبال آشتیانی. تهران: آسو.
- جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۴). «افسانه مرگ یزدگرد بزه‌گر». تحقیقات تاریخ اجتماعی. سال ۵. ش ۲. پاییز و زمستان. صص ۱۳-۲۳.
- جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۷). تاریخ تحولات ساسانیان. تهران: سازمان سمت.
- خورنی، موسی. (۱۹۸۴). تاریخ ارمنستان. ترجمه، مقدمه و تحاشی گئورگی نعلبندیان. یروان: دانشگاه دولتی یروان، اداره نشریات.
- دریایی، تورج. (۱۳۹۱). بررسی واژه رامشهر: ناگفته‌های امپراتوری ساسانیان. ترجمه آهنگ حقانی و محمود فاضلی بیرجندی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- دینوری، احمد بن داود. (۱۳۷۱). اخبار الطوال. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. چ ۴. تهران: نشر نی.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۸). تاریخ ایران باستان: تاریخ سیاسی ساسانیان. عبدالحسین زرین کوب و روزبه زرین کوب. تهران: سمت.
- سارکسیان، ک.خ؛ یرمیان، س.آ؛ هاکوپیان، آ.خ؛ نرسیسان، م.ک؛ آبراهامیان، آ.ک.آ؛ خداوردیان، ک.س. (۱۳۶۰). تاریخ ارمنستان (از دوران ماقبل تاریخ تا آخر سده هجدهم). ترجمه ا. کرمانیک. ج اول. چ ۲. تهران: [بی‌نا].
- شهبازی، شاهپور. (۲۰۰۳). اسبی که یزدگرد گناهکار راکشت. ترجمه سیامک ادهمی. کالیفرنیا: نشر مزدا.
- شپیمان، کلاوس. (۱۳۸۶). مبانی تاریخ ساسانیان. ترجمه کیکاووس جهاننداری. چ ۲. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.
- فردوسی، ابولقاسم. (۱۳۸۶). شاهنامه. نگارش جلال خالقی مطلق. ج ۶. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- کریستین سن، آرتور. (۱۳۷۴). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. چ ۴. تهران: صدای معاصر.
- موزه بریتانیا. [https://www.britishmuseum.org/collection/object/W\\_1853-0328079](https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1853-0328079)
- نلسون، برادلی آر. (۱۳۹۵). سکه‌های ایران باستان. مترجم فرزانه حبیبی اصفهانی. ویراستار بهرام بدیعی. تهران: نشر زاویه.
- نولدکه، تئودور. (۱۳۷۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان. ترجمه عباس زریاب. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Marcellinus, Ammianus. (1940). *History*. books 20-26. Cambridge: Loeb Classical Library. Pp. 620 : 1940
- Gyselen, Rika. (2004). *New evidence for Sassanian numismatic: The collection Of Ahmad Saeedi*. Moyon: Groupe Pour LEtude La Civilisation du Moyen.Orient Bures.Sur.Yvett